

اسنادی از مکاتبات میرزا حسن رشديه

مؤسس مدارس نوین

به مجلس شورای ملی^۱

احمد مظفر مقام

احداث مدارس نوین در ایران از مهمترین تحولات فرهنگی بود که علیرغم مخالفت‌های افراد و گروه‌هایی از مردم سرانجام جایگاه خود را در فرهنگ و تمدن کشورمان باز کرد. حاج میرزا حسن تبریزی معروف به رشديه^۲ از زمره نخستین بنیانگذاران مدارس جدید در ایران است. مدرسه دارالفنون، مدرسه تبریز، مکتب مشیریه، مدرسه همایونی و مدرسه نظامی تهران از جمله مدارسی است که پیش از رشديه در ایران باز شده بود و همه متعلق به خواص یعنی محل تحصیل فرزندان اعیان و اشراف و سرشناسان دستگاه دولتی بود و در حقیقت رشديه بود که مدرسه‌ای برای عامه مردم باز کرد.^۳ وی در سال ۱۲۶۷ق/ ۱۲۲۹ ش در تبریز و در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود.^۴ اولین مدرسه ایرانی را در سال ۱۳۰۰ق/ ۱۲۶۱ ش در ایروان و در ایران هم اولین مدرسه را در سال ۱۳۰۵ق/ ۱۲۶۶ ش در تبریز تأسیس نمود. در سال ۱۳۱۵ق/ ۱۲۷۶ ش زمان صدارت میرزا علی‌خان امین‌الدوله به کوشش ایشان و به امر پادشاه وقت به تهران احضار و اولین مدرسه را در پایتخت به نام رشديه تأسیس نمود.^۵ تألیفات وی بدایة‌التعلیم، صد درس، شرعیات ابتدائی، کفایة‌التعلیم، نهایة‌التعلیم، صرف فارسی، تربیت البنات، تأدیب البنات، اخلاق، اصول عقاید، هدایة‌التعلیم و تبصرة‌الصبيان میباشد.^۶ سرانجام در سال ۱۳۶۳ ق/ ۱۳۲۳ ش در سن ۹۷ سالگی درگذشت.^۷ وی در واپسین روزهای زندگی‌اش اینچنین وصیت نموده بود: «**مرا در محلی به خاک بسپارید که هر روز شاگردان مدارس از روی گورم بگذرند و از این بابت**

روحم شاد شود»^۸

البته پس از میرزا حسن رشديه افراد گمنام ديگري نیز همچون شيخ محمد حسن شيخ الاسلام به ايجاد مدارس جديد همت گماشته‌اند. وی به تأسيس ۶۰ باب مدرسه مجاني دولتي در طول سالهای ۱۲۸۹ ش تا ۱۳۰۱ ش در بلوکات تهران اقدام نموده است. انگیزه تأسيس مدارس توسط ایشان بدین گونه بوده است: «شيخ محمد حسن شيخ الاسلام که سابقاً امام جماعت بود روزی در حصار بوعلی شمیران با جمعی ایستاده و مسائل شرعیه را جواب می‌داد. ناگاه گله گوسفندی از آن جا عبود کرد و چون شيخ نعلین زردی در پای داشت، گوسفندان به گمان پوست خربزه بیای شيخ ازدحام نمودند. حاضرین به غائبین رسانیدند که دیدیم گوسفندان پای شيخ را بوسیده و عرض حال می‌نمودند. شيخ چون این بشنید، فوراً امام جماعت را ترک و مصمم شد که به وسیله مدارس، رعایای بی‌سواد بلوکات [را] از مهاوی ظلمات جهل برهاند و در این زمینه کوشید تا موفق گردید.»^۹

شرح سند

بدون تردید حاج میرزا حسن رشديه حق شایانی در ترویج آموزش نوین ایران داشته و نشر و توسعه فرهنگ را باعث بیداری و آگاهی مردم می‌دانست. آن روزهایی که مردم از نام مدرسه نفرت و واهمه داشتند از هیچ‌گونه توهینی نهراسید و شالوده‌های فرهنگ و بیداری مردم را در ایران زمین بنیان گذاشت. نگارنده، در این مجال اسنادی نویافته در این خصوص استنساخ نموده است، تا با ارائه اسنادی منتشر نشده زوایای تازه‌ای



از شکل‌گیری مدارس نوین را به رشته تحریر درآورد. سند اول نامه میرزا حسن رشديه به کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی می‌باشد. سند بی‌تاریخ و در دوره سوم مجلس شورای ملی ثبت گردیده است. رشديه ابتدا به شرح حال و سپس اقدامات خود در شکل‌گیری مدارس نوین در فضای مسموم و آلوده آن زمان، بی‌لیاقتی پادشاهان و بعضی از رجال قاجار، فقر و عقب‌ماندگی مردم، آتش‌زدن مدارس، هزینه‌های شخصی که در ايجاد مدارس هزینه نموده و ... اشاره نموده و از هیچ کوششی در ايجاد مدارس نوین دریغ نورزیده و با همکاری روشنفکران و فرهنگ دوستان زمان خود مبارزات خستگی‌ناپذیری با دیو جهل و ظلمت و استبداد حکومتی آغاز، و به دیارهای مختلف سفر نموده تا کانون معرفت و دانایی را ايجاد نماید و دریچه‌ای از آگاهی و بصیرت بر روی مردم بگشاید و در این زمینه تلاش نمود و موفق شد. در پایان عریضه از تنزل شهریه و حیف و میل

شدن بودجه معارف شکایت نموده است. اسناد دیگری که در ادامه آمده است در خصوص حقوق تقاعد، سختی معیشت، مکاتبات مجلس با وزارت معارف و مالیه و جوابیه‌هایی در اینخصوص است. پوشش زمانی اسناد مذکور دوره‌های دهم و یازدهم مجلس شورای ملی است.

متن سند

سند شماره ۱

TÈHÈRAN
H.M. Hassan Rochdiéh
Instituteur des Écoles National
En Systeme nouveau en Perse
Le.....191
N.º

طهران
حاج میرزا حسن رشديه
مؤسس مدارس ملی باصول
جدیده در ایران
بتاریخ هفتم شهر شعبان ۱۳۳۳
نمره

یکی از اعضای محترم کمیسیون بودجه این لایحه را قرائت نموده دیگران هم اصفا فرمایند:
دوازدهم رمضان ۱۲۹۳ از محراب و منبر که معرکه مردآزمای پهلوانان میدان عقل و جهل است پای‌گریز برداشته از راه ارس عازم مشهد شدم در ایراوان که مسقط‌الرأس اجداد اُمی است چندی استیناس با اقرباء را قصد اقامت کردم اوضاع مدارس روس را دیده بفکر تأسیس مدرسه برای ایرانیان افتادم بروزنامه اختر نوشتم که در هر جا یک دارالمعلمین اسلامی سراغ دارید برای من بنویسید که تحصیل اصولی تعلیمرا بانجا بروم جواب آمد که انگلیسیها در مصر یک دارالمعلمین انگلیسی و مسلمانی تأسیس کرده چهار ماه بعد افتتاح خواهند کرد. از زیارت مشهد فسخ عزیمت نموده یکباب حَمَامیرا که در تبریز داشتم بیکی از تجار تبریز که در ایراوان تجارت داشت بچهارصد[ناخوانا] فروخته روانه مصر گردیده بامر خدیو مصر سپرده بمرحوم ضیاء پاشا ناظر معارف مصر گردیده پس از دو سال نیم اقامت در آنجا از راه مشهد بایراوان برگشته اعمال تجار براء مکتب رشديهئی باز کردم در مدت دو سال و کسری مکتب را بحدی ترقی و تعالی دادم که مرحوم ناصرالدین شاه در مراجعت از آخرین سفر فرنگ بی‌آنکه از ما تقاضائی بشود شجاع‌السلطنه را فرستاد که فردا عصری بزیارت مکتب خواهیم آمد با آنچنان مصارفیکه مقتضی پذیرائی قدوم شاهان پدر شد بچهار صدنفر متجاوز از بزرگان دولت روس و چند هزار نفر متشخصین مسلمان و غیرمسلمان از اهالی شهر و رؤسای طوایف بشیرینی ضیافت داده اهمیت مقام مدرسه را بدرجهئی که در نظر اولیای دولت روس

موقع یافته بود بعرض رسانیدم یکی از خطبای مکتب در طی خطبه چنین معروض داشت که: ملت اسلام از این سفر اعلیحضرت شاهنشاهی بزرگتر سوقاتی را که منتظرند همانا تأسیس مکاتب و مدارس جدید است در ایران که بلکه ایرانیان هم در ظل تربیت پدر تاجدار خود از ذلت پست‌ترین درجات یتیمی که ینم علم و ادبست مستخلص شده مانند دیگر ملل عالم معزز و محترم باشند در مراجعت از مکتب که چند قدمی در رکاب همایونی سوالات شاهانه را عرض جواب می‌کردم فرمودند که باید به تبریز آمد. یک چنین مکتب در آنجا باز کنی مرا که این آرزو آخرین مرام حاصل زندگانی بود مکتب را بمعلمین سپرده مشیاً علی‌الرأس خود را در نخجوان بحضور رسانیدم در موقع حرکت رئیس چپرخانه گفت نیم‌ساعتی صبر کنید تا اسب حاضر شده درشکه شما را هم بریندیم پس از آنکه شاه روانه راه شد رئیس گفت مأوموم تا آوردوی شاه از تبریز بطهران حرکت نکرده است شما را در اینجا مهمان‌داری کنم خواستم که بایروان برگردم گفت رئیس راه قدغن کرده است که نروید در اولین قدم معاشقه با معارف ایران سیزده روز اسماً فوناق و رسماً دو سداق شده شبها در پشت‌بام مجلس که می‌خوابیدم شب سیزدهم حضرت صادق علیه‌السلام را در خواب دیدم که این شعر خواجه را زمزمه می‌کنند: گر تیغ بارد در کوی آن ماه گردن نهادیم الحکم لله از خواب که بیدار شدم با خدای خود عهد کردم که تا آخرین نفس از اناره این شمع شب‌افروز تقاعد نوزم.

وفای همین عهد شده که در مابین سنه ۱۲۹۹ و سنه ۱۳۱۵ هفت مدرسه باز کرده بیغمای اشرار یا اختیار داده پنج مرتبه شبانه از تبریز بمشهد فرار کرده‌ام چون در تأسیس لاحق رغبت اهالی را نسبت بسابق بیشتر میدیدم همین را تشفی خاطر خود قرار داده خسته نمیشدم و چون یکی از مطهرات غیبت بود این بود که همان روز بر هم خوردن مکتب شبانه از شهر میرفتم و پس از چهار و پنجاه برگشته در محل غیر از اولی مکتب رشديه را بی تغییر اسم باز می‌کردم آخرین دفعه دیدم که دیگر خانه بجهت مکتب بکرایه نمیدهند یا از ترس خرابی که بالاخره احتمال میرفت یا از تحریم ملاهای محل که مقدمه اجدادم بود ناچار آخرین محل معاشمرا در هشت‌رود قریه ساروقمش بامیر بهادر جنگ بدو هزار تومان فروخته باجازه علمای نجف اشرف و تصویب حاج میرزا جواد مجتهد مرحوم و مساعدت میرزا محمود شیخ‌الاسلام رحمه‌الله مشرف بدارالفنون تبریز از مدارس قدیمه طلاب خرابه‌ئی را که مزبله شده بود از نو تجدید کرده یک مکتب بسیار باشکوهی ساختم. امتحان سال اول متعلمین مکتب را داده اعلان قبول شاگرد و دعوت تعلیم مردان بی‌سواد را در سه ماه منتشر کرده بودم که حضرت آیه‌اله آقای آقا سیدعلی آقای یزدی در منبر فریاد زدند که ای مردم مدرسه پورتستانیها را بستیم و حالا بمیرزا حسن رشديه پول داده‌اند که باین اسم اطفال شما را پورتستانی کند و عوام الناس را از دین در برد نه خیال کنید که ابجد شما را کشت اب و جد شما را کشته است خبر آوردند که مردم از مسجد رو بمکتب می‌آیند همین قدر که اطفال را زنده بدر کردیم شاکر شده کتابخانه و اساسیه و آنچه را که داشتیم بیغمائیان واگذارده از شهر فرار کردم همین وهله بود که تلگراف احضاریه از طرف مرحوم امین‌الدوله حکمران آذربایجان بخراسان آمده به تبریز رفته نهمین مکتب رشديه را باز کردم ماه نهم نشده بود که امین‌الدوله بسمت صدارت احضار بطهران گردیده برحسب یک دعوت نامه یازده سطرى بخط خودشان محشى به پنج سطر دستخط اعلیحضرت مظفرالدین‌شاهی بطهرانم خواسته بتأسیس معارف امر فرمودند ماه

پنجم امين الدوله معزول و من به تفتين نيرالملک وزير علوم و معارف معروف به امين الدوله‌ئی شده مغضوب بادمجان دورقاب چينه‌ای صدراعظم لاحق رحمة اله عليه گردیده از تمام خيالات خود که فقط احیای معارف بود بدین درجه عقب ماندم که امروز مشهود است. چون این مکتوب از ان مکتوباتی است که باید در صندوق ودایع دارالشورا ضبط شود جملات ذیل را نیز اختصارا مینویسم. هیجده سال قبل که بطهران آمدم چون مقصود بالااصاله تکثیر مکاتب در ایران بود و مکاتب بی معلمین اداره نمیشد اول دارالمعلمین تأسیس کردم در ماه پنجم امين الدوله معزول و انجمن معارف چون فرق عالم و معلم را نمی دانست بساط مرا برهم زده خود بتأسیس مدارس پرداخته چون در اداره کردن مدرسه رشديه محتاج باعانه دولت نبودم و زحمات انجمن معارف را در تکثیر مدارس نقش بر آب میدیدم خود را کناره کرده بمکتب پرداختم چون با بودن مکتب من مکاتب انجمن معارف رونق نمی یافت مرا در پیش صدراعظم بعداوت ایشان متهم کرده بصدد اعدام بداشتند شبانه اجزای نظمیه بخانه میرزا محمد علیخان ریخته در توی رختخواب کله‌اش را تخم‌قوب کوب کرده نعشش را بکوچه انداختند از آنجا بخانه شیخ یحیی معلم مدرسه رفته نفی باردیلیل کردند از آنجا بخانه میرزا سیدحسن که عضو مکتب بود رفته ششماه در مبارک‌آباد حبسش کردند از آنجا بمنزل مشیرالملک رفته او را نه ماه در نظمیه حبس نمودند مرا در خانه حاج شیخ هادی نجم‌آباد سراغ کرده محض احترام او دست نزدند لکن آدم گذاشتند که هر جا ببینند بگیرند پس از شش ماه تحصن در آنجا برحسب سفارش محرمانه شاه بمرحوم شیخ شبانه بمکه معظمه فرار کردم پس از نه ماه برگشته مکتب را مانند آسیاب از آب افتاده یافته از نو تجدید کردم.

وزیر امور خارجه مرحوم مشیرالدوله فرمان و دستخطی بمن داد که سالی هفتصد و پنجاه تومان بطور شهریه از وزارت خارجه دارید و وجه پارساله‌ات در پیش من است چون شانزده هزار تومان پول در پیش صراف داشتم آن وجه را نگرفته گفتم که نگه دارند تا بمحلس صرف شود امين السلطان از صدارت معزول و عین الدوله منصوب گردید امين الدوله در منقای لشته نشاء متوفی گردیده پسرش امين الدوله حالیه گفت برحسب وصیت پدرم میخواهم که مکتبی در عمارت شخصی تأسیس کنم مدرسه را بطور مستحسنی تأسیس کرده خواستم خلع ید کنم گفتند خانه‌ئی برای شما رهن کرده‌ام که در این نزدیکی باشید گاری فرستاده آنچه داشته‌ام انتقال داده بمدرسه ریختند که بنائی خانه دو روز بقیه دارد شبانه آدم بمنزلم فرستادند چون از تبریز آمدی چیزی همراه نیاوردی آنچه داری از رشديه است و رشديه هم مال ماست العبد ما فی یده لمولیه بعین الدوله عارض شدم فرمود که اگر چون و چرا گوئی خود معدوم خواهی شد متحمل شده بمکتب پرداختم فردا فراش آمده احضارم کرد در حضور فرمودند که میدانم که رشديه بجای نام شخص تو شده است لکن مجبوری که تابلوی مکتب رشديه را تسلیم به عین الدوله کنی و اسم دیگری بمکتب خودت بگذاری محض بقای مسمی از اسم صرفنظر کرده تابلو را تسلیم فراش شاهی نمودم و تابلوی مکتب خود را در مواجه دارالفنون فقط مکتب نوشته بعملیات پرداختم دوباره احضارم کرده فرمودند که اسمی بمکتب بگذار تا در مقام پرسش نگویند مکتب رشديه راضی شدم که تابلو را بردارم او راضی نشده تسامح ورزید. شبی را که عین الدوله صدراعظم شدند عریضه‌ای نوشتم که انتخاب دولت شخص شما را به صدارت به جهت انجام مهمات معظمه

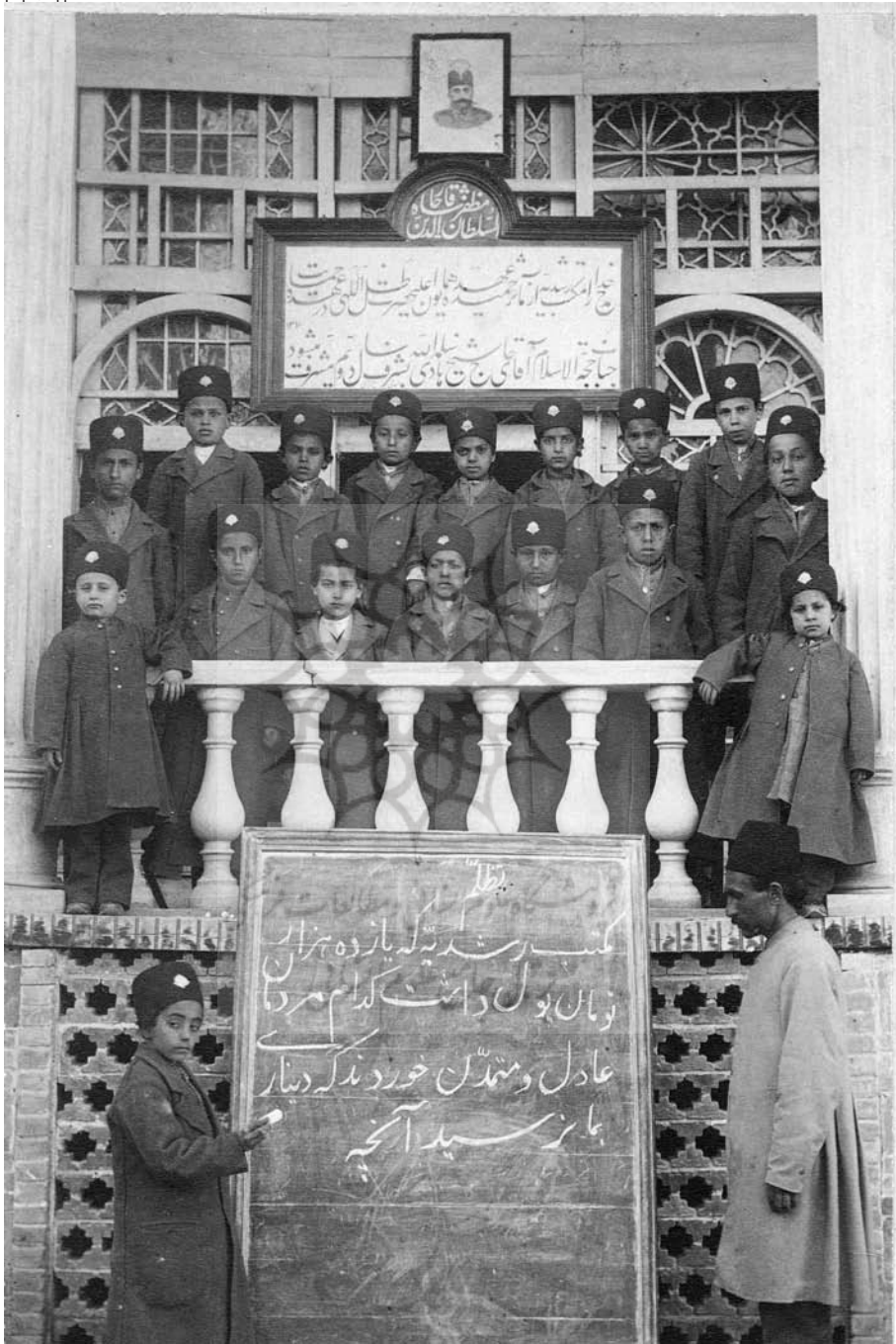
است منجمله اصلاح ماليه بنظر من اوسع و اسهل حراق قناعت در خرج و استعانت از اغنيای ارباب حقوق است که بلکه عنقریب این قرض ملت سوز مملکت که از استقلال کش روسها داده شود بنا بر این عقیده این ملفوفه فرمان و قبض وزارت امور خارجه و حواله هزار و پانصد تومان دو ساله قبل را ایفاد حضور داشته در اعانه ادای قرض روس تقدیم خزانه دولت میکنم که کمربند همت در میان عزیمت محکم بوده ملت و دولت را از زیر بار این قرض مهلک نجات دهید بخط خود جوابی نوشتند که اولاً این اقدام شما را بفال نیک گرفتم که ملت با من همراهی خواهند کرد ثانیاً فرمان و قبض و حواله شما را عودت داده اطمینان می‌دهم که اگر تمام حقوق مقطوع شد حق شما دستخورد پیدا نکند ثالثاً این حسن نیت شما را در خاکپای همایونی عرض نموده شما را مورد مراجع ملوکانه خواهیم کرد دوباره فرمان و قبض و حواله را عودت داده عریضه نوشتیم که این تألم خاطر را از شما منتظر نبودم که بر من وارد کنید اولاً گمان کرده‌اید که این وجه را به شخص شما تقدیم کردم که حق پس دادن داشته باشید قرضی است بار گردن ملت و ملت باید ادا کند و شما وکیل هستید ثانیاً فوق‌العاده متآلم شدم از اینکه در اصلاح مالی مرتکب افراط و تفریط خواهید شد دو بال این از وبال این قرض بیشتر است ثالثاً فرموده‌اید که مرا مورد مراجع ملوکانه فرمائید فعلاً مراجع ملوکانه را غیر از این مطرح نظری ندارید که معاونت مالی کنید و من خود را آلوده این مالها نمیکنم زیرا که استطاعت دارم برای ادای ترجمانی که مرمت شکستگی‌های خاطر ارادت ذخایر نماید استدعا دارم که شیخ یحیی دو سال و نیم است در اردبیل محبوس است تلگراف خلاصی او را بفرستید حضرت والا شاهزاده فرمان و قبض حواله را قبول کرده جواب ننوشته فقط تلگرافی را مرحمت فرمودند و من هم با برات تلگرافی یکصد تومان خرجی به اردبیل فرستاده ایشان را خواستم متعقب بر این امر نیمه شعبان را بقم رفته پشت سرم چهار قزاق و یک صاحب منصب به قم آمدند که مرا گرفته حبس یزد بفرستند خبردار شده از صحن بیرون نیامدند تا عریضه بشاه عرض کرده مطلب را فهمانیده سترش را استدعا کرده تلگراف علنی عرض کردم که بر حسب اطلاعاتیکه از سیورسات قم بدست آورده‌ام اگر موکب همایونی با این اردوئی که حاضر رکاب کرده‌اند تشریف‌فرمای شهر قم باشند دامنه قحطی تا دو سال در قم و حوالی ممتد خواهد شد برضای الهی این نزدیکتر که با او تومبیل تشریف آورده مزید اجر و ثواب را موفق آیند صدراعظم که در پیچ و تاب تهیه صد هزار تومان خرج راه بوده از این تلگراف جان تازه گرفته شاه عرض می‌کند که هر کس این عرض را کرده است دولتخواه بوده است... شاه میفرماید که از حاج میرزا حسن رشديه است ولی او برای چه مکتب را بی‌صاحب گذاشته این قدر توقف می‌کند جواب بدهید که عریضه شما به موقع قبول رسیده عاجلاً بیاوید و مواظب مکتب باشید بطهران آمده عرض کردم که کدام تقصیر من سبب حبس و نفي من بوده است فرمودند چون اقدامات تو را در عزل امین‌السلطان تماماً شاه به من فرموده از فعالیت تو در علیه کسیکه با او نیستی به خوبی مسبوقی صراحته میگویم... چهار روز مهلت خواسته دوباره بمکه معظمه رفته پس از هشت ماه مراجعت کرده عملیات کارکنان میرزا علی اصغرخان را دیده دانستم که عنقریب وارد طهران و نایل به صدارت گردیده باقی مانده را تسلیم روسها خواهد کرد بنا بر ظاهرسازی که در حرم کعبه با هم کرده بودیم بمعاونین طهرانش از برلین مینویسد که فلانی را داخل خود کنید مرا داخل نموده ارائه دادند که سفارت روس دستور داده است که چون تعهد مسیونوز را بادای

اقساط طلب دولت روس پذیرفته‌ایم اگر معزولش کنید جز امین‌السلطان را نمی‌پذیریم [...]]

شبانہ خدمت والا عین‌الدوله رفتیم کہ دوازده سال صدارت اقدس والا قریب الانقضا است آمده‌ام کہ دوازده سال مستقلاً صدراعظم باشید ماجرا را گفتیم هیأت عامله را از من پرسید گفتیم قباحت دارد کہ برای خیر شما بیایم و شما شر مردم را از من بخواهید در ابقای صدارتش طریقه مقصودہ مرا پرسید گفتیم کہ اصلاح مالیہ یعنی قناعت در خرج و تعدیل عایدات خواست بگوید کہ سه سال است بهمین مقصد کار میکنم اقداماتی را کہ مخالف دعوی‌شان بود نشان دادم ناچار یک تغییر معمولی بخودش بسته فرمود کہ هر وقت محتاج بمشیر شدم شما را خبر میکنم چون هفتصد و پنجاه هزار تومان وجه فرمان مرا پس از پانزده روز به سه نفر تقسیم کرده و فرمان صادر نموده و من به روی خود نیاورده بودم آنشب اعتراض نمودم ناچار بودند کہ متغیر شوند از آنجا برخاسته اول در محضر آقا سید محمد مقاله عزل نوز را مطرح کرده ترانه را تغییر دادیم چون ازدهام مردم بر ایشان بیشتر شد خدمت مرحوم سید رفته گفتیم نزدیک است کہ آقای طباطبائی بجهت تبدیل ترانه حامل خاص لوای افتخار نجات ملت گردن کردند زمزمه را عوض کنید کہ مقصد بهتر حاصل خواهد شد ترانه را عوض کردند شب‌را خدمت حضرت والا رفته گفتیم کہ این ملت طاقت حمل این کلمه را ندارند بیائید بر خودتان و ملت‌تان ترحم کنید ما اوضاع را تغییر میدهیم باز هیأت عامله را از من پرسید همان جواب را داده همان جواب را شنیدیم همان شب بمنزل آمده نمره اول شب‌نامه را نوشته به کوچه‌ها و قهوه‌خانه‌ها ریختم نمره بچهار نرسیده بود کہ نویسندگان همراهی کرده در شبی دوازده نمره شب‌نامه توزیع شد روزی روزنامه‌نویسان را دعوت کرده در تغییر اوضاع روزنامه‌ها مذاکراتی چند بمیان آوردیم کہ لہجه قلمرا تغییر دهیم مرحوم ذکاء الملک و سید فرج‌الله راپورت مجلس را بحضرت والا داده همان شب مرا و دو نفر از حاضرین مجلس به کلات برداشتند شب کہ بخدمت صدراعظم رفتیم فرمودند کہ آتشیکه روشن کردئی وقت است کہ در توش بسوزی عرض کردم حضرت والا نار و نور از یک ماده مشتقند آنچه را کہ از دور می‌بینید شاید نور باشد کہ بنار تعبیر میفرمائید فرمودند کہ چون در پاش نشستی معلومت میشود کہ نار است یا نور اشاره بنایب دیگر فرمودند کہ ببرید نزد نیرالدوله قدکان ماکان ممالست اذکره پس از فرستادن من بکلات بعلاءالملک وزیر علوم میفرماید کہ در ماهی سی تومان مستمراً بخانه من بدهد از کلات به مشهد آمده برای تأسیس یک مدرسه شبانہ روز بنای دوپست‌هزار تومان استقراض از ملت گذاردم کہ تمسک‌انم را بانک استقراضی ضمانت نموده پولم را با صد و هشت تا چهل سالہ نگہ داشته نصف رنجش را خرج مکتب و نصف رنج را در استهلاک قرض بصاحبان قرض بپردازم بانک اولاً باصدی هشت چهل سالہ قبول نکرد ثانیاً از تجار سند خواست کہ تمسکات مرا به جای نقد قبول کنند چنانچه خود بانک قبول خواهد کرد بواسطه تلگراف شخصی سابقه‌ئی کہ با پدر این امپراطور داشته و سالی پنجاه منات پول قبا از مصارف سالیانہ لباس امپراطوری در ازای رشديه ایروان داشتیم اجازه آوردیم کہ پول حاج میرزا حسن رشديه بسرمايه مکتب را بانک استقراضی در صدی هشت بپذیرد و تجار هم سند دادند کہ اوراق قرض الحسنه مرا به جای پول بپذیرند بانک استقراضی اجازه دولت ایران را هم محض مراعات نزاکت مطالبه کرد یک تلگراف تجار مشهد و یک تلگراف اصف‌الدوله حاکم خراسان و یک تلگراف هم خود بنده بمشیرالدوله صدراعظم عرض کردیم پس از چندی جواب دادند عجلتہ

موقوف بداريد هم چنان آب سرد به آبش گرم ريخته ماند از خراسان بطهران آمده اوضاع را حرج و مرج ديده قعر خانه را گرفته نشستم خطا گفتم محض بورود مأمور حکومت آمده التزام گرفت تا فردا صبح از شهر بروم زيرا که آية الله طباطبائی فرموده اند که حاج ميرزا حسن از اشرار است بايد از طهران برود فی محض ابقای عظمت حضرت آية اله صبرت بعد گفته التزام را امضا کردم شيرا جمعی بدیدن آمده مسبوق شدند آفتاب نزده بايد از شهر بيرون روم که از آن جمله بود آقای بهجت و حاج سيد آقای لواسانی و آقای شيخ محمد علی طهرانی و جماعتی از انجمن طلاب پس از رفتن ایشان چند ساعتی نگذشت که مأمور حکومت التزام نامه آورده پس داد چندی خانه نشين بودم که شاگردان مسلم مدرسه آمریکائی بمديرشان شوریده از مدرسه خارج شدند حاج مخبر السلطنه وزير معارف مدرسه حیات جاويد را حسب الامر همايونی تأسيس نموده شورشیان آنمدرسه را که پنجاه نفر بودند بآنجا وارد کرده مدیریت مدرسه را به من واگذار نمود چون آقای رضا قليخان معاون وزير معارف از زمان وزارت پدرشان با من سوء المزاجی داشتند از اینکه در ماه سيم افتتاح مدرسه عده متعلم بچهارصد رسيد اخلال را بحدی رسانيد که شاگردان مدرسه آمریکائی شورش کرده مدرسه را مختل ساختند من از مدیریت مُستعفی شدم مدرسه بسته شد مخبر السلطنه بحکومت تبريز رفتند و آقای معاون اجرا و معلمين را که وزارت معارف با حقوق دولتی به مدرسه فرستاده و پول آنها در ماهی سيصد تومان از دولت گرفته بود بر سر من ريختند که مدير مدرسه بايد بدهد محض حفظ آبروی از خود داده منم دو هزار تومان و کسری طلبکارم از شخص مخبر السلطنه زيرا که تمام و کمال از دولت گرفته است خواستم که باز یکمدرسه خصوصی باز کنم ديدم که ديگر ديناری سرمايه ندارم و مکتب بدون سرمايه دکان سرتراشی است ناچار برای اعاشه عیالات و تعميم خدمت بعموم مدارس بحکم وزير معارف آقای علاء السلطنه مدير مدارس ذکور و اناث گردیده در ماهی هشتاد تومان مستخدم شدم با اینکه حکم معارف مدیریت مدارس ذکور و اناث است آقای معاون مفتشم ناميده اعتباری نگذاشت چون هيچ وقت در صد اینگونه افتخارات نبوده فقط کارم با عملیاتم بوده است به مفتشی شاکر شدم زيرا رفع نواقص از مفتش بهتر ساخته است تا ديگری آقای معاون گرديد راپورت های مرا بموقع اجرا و اعنتی نياورده بجای خود خواستند اختلالی در داخلی امورم ايراد کرده باشند که هرگز حال اين پیدا نکنم که قلمی روی کاغذ بگذارم سال دويم که بودجه معارف از مجلس برگشت شهریه من از هفتاد به پنجاه نازل شد وزير معارف اظهار بی اطلاعی کرده بعهده معاون گذراد معاون تبری جسته بعهده مجلس گذارد در صورتیکه نوشته شده است مفتش سه نفر یکصد و پنجاه تومان و ايدا اسمی از من در بودجه نیست. امسال هم که موقع تعديل بودجه است بهیأت محترم کميسيون عرض می کنم که تا استطاعت داشته ام در راه معارف هزارها خرج کرده ديناری از دولت نگرفته ام حال که در ازای ۱۹ نفر عیالات واجب النفق و در خدمت بمعارف منحصر بفرم در ماهی یکصد تومان وجه معاش می خواهم که اداره تفتيش معارف را از تمام مخارج و اجزا مستغنی کرده بقدر همه آن اعضا که هستند کار بکنم زيرا که اداره تفتيش معارف يکنفر کاردان کارکن بيشتر لازم ندارد. چه قدر وقیح است که در اين چنین روز فقر ماهی از هفت هزار تومان بودجه معارف هزار و پانصد تومان بطور افراط و تفریط بمدارس بدهيم و پنج هزار و پانصد تومان در پشت میزها عبث خرج کنیم در خانه اگر کس است یکحرف بس است.

۱۱۰۱



پیام بهارستان / د ۲، س ۱، ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

سند شماره ۳

[نشان تاج و شیر و خورشید]

وزارت مالیه

اداره تقاعد.....

دایره

بتاریخ: ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۱۴

نمره ۴۵۱۶۳ ضمیمه.....

ریاست مجلس شورای ملی

جواب مرقومه نمره (۲۴۵۴) ۱۳۱۴/۱۱/۸ طبق تقاضای وزارت معارف و تصویبنامه نمره (۲۳۵۸) ۱۳۰۸/۳/۲۳ هیئت وزراء بموجب قانون بهمن ماه ۱۳۰۶ و مواد ۴۳ و ۴۵ قانون استخدام کشوری آقای حسن رشدیه از تاریخ اسفند ۱۳۰۷ با ماهی ۵۳۱ ریال متقاعد گردیده و حقوق مزبور را مرتباً دریافت نموده است هر گاه قبل از اجرای قانون استخدام در مقابل خدمت حقوقی اخذ مینموده بحقوق تقاعدی که قانوناً باو تعلق میگرد مربوط نخواهد بود و زائد بر آنچه قانون اجازه پرداخت حقوق تقاعد داده نمیتوان حقوقی تادیه نمود.

از طرف وزیر مالیه

[امضاء: ناخوانا]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مجلس شورای ملی

ثبت کل

۲۸۲۵

۱۴/۱۲ ۲

سند شماره ٤

[نشان تاج و شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ

اداره کارگزینی

شماره: ٣٦٣٤٤/٢٧٩٥٦

تاریخ: ١٧/١٠/٤

ضمیمه:

ریاست مجلس شورای ملی

در پاسخ نامه شماره
بموجب گواهینامه شماره
سی و یکریال حقوق بازنشستگی که طبق ماده ٥٠ قانون استخدام کشوری استحقاق داشته درباره او برقرار
و تصویب شده و از تاریخ مزبور مُرتباً دریافت میدارد بنابراین درخواست آقای رشديه زائد بر مبلغ مزبور چون
تطبیق با مقررات نمینماید غیر عملی میباشد.
کفیل وزارت فرهنگ
[مهر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه]

ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ٤٥٢٦

ساله: ١٣١٧/١٠/٥

سند شماره ۵

HADJI MIRZA HASSAN ROCHDYE
fondateur des Ecoles modernes en perse 1882
TEHERAN PERSE
Tel."ROCHDY.TEHERAN "
BOITE POSTALE.1.

قم
حاج میرزا حسن رشديه
مؤسس مدارس جدیده ایران
در سنه ۱۳۰۱ هجری قمری

دارالشورای کبری ملی شیداله ارکانه

راجع به پاسخنامه مورخ ۸-۱۰-۱۷ بشماره ۴۵۲۶ معروض میدارد یک مسئله قانونی بطور استفتی بهیأت مقننه فرستادم که برله یا بر علیه من جواب مطاع و متبّع قانونی صادر شده طمأنینه خاطر حاصل نمایم هیأت مقننه بی آنکه وارد بمسئله شوند عریضه ام را بوزرات فرهنگ فرستادند آنوزرات جلیله پس از شرح آنچه که در جریان بوده و در عدم استحقاق من بزمه عیالم بی آنکا بر قانون و بی اقامه برهانی از قوانین فتوائی میدهد که ابدأ قناعت بخش نباشد بلکه... چون دارالشورا در مضمون عریضه ام غوری نفرموده بوده اند در جواب واصله از وزارت فرهنگ داخل و رجوع و تعدیل نشده اند ناچار عین مراسله را باختصار تکرار می کنم که جوابی بی منصوص نبصی از نصوص عنایت فرمایند.

در سنه ۱۲۹۸ شمسی هیأت وزراء بمجلس شورا تصویب نامهئی فرستاده اند که ماهی هفتصد ریال بعنوان حقوق تقاعد برای بنده مقرر شود از تصویب مجلس گذشته تا سنه ۱۳۰۳ در گیلان دریافت میشده در همین سال بطهران آمده بوزارت فرهنگ از عدم کفایت آن حقوق بمعاش آل رشديه شکایت میکند وزارت بر سنین خدمت رشديه مراجعه کرد. پس از صدور تعرفه خدمت در رتبه پنج استحقاق در ماهی بهفتصد ریال حقوق انتظار خدمت اعلام میکنند چون از طرف مجلس متقاعد بودم خود عریضه داده تقاضا نمودم منتظر خدمت شده متقاعد شوم وزارت دارائی هم عذری اقامه کرد که آن حقوق از بودجه معارف گیلان پرداخته میشده خزانه متحمل آن نمی شود چون آن هنگامی بود که هوش بعصا راه میرفت زبان در کشیده فقط در ماهی بپانصد و سی و یک ریال حقوق تقاعد کشوری و اعانهئی از پسران امرار معاش کردم پیرسال یکی از فقهای قانون گفت حقوقی را که مجلس بالخصوص در حق کسی مقرر میدارد قانونی بر قطع آن باین سادگی صادر نشده بنده در اسفند سنه ۱۳۱۵ بمحاکمات مالیه عریضه داده سنوات آن حقوق را درخواست کردم رئیس محاکمات مالیه متن قانون قراءت کرد. حقوقیکه شهریه پرداخت میشود اگر سه سال معوق بماند مرور زمان مبطل دعویست بنده بحرمت قانون از مطالبه سنوات منصرف و بمطالبه اصل حقوق منعطف میشوم اگر ذی حقم امر فرمایند که از تاریخ مطالبه و اگر ذی حق نیستم و این حقوق معارفی قاطع و مانع آن حقوقست با استدلال بدلیل قانونی فارغم فرمایند.

پیر معارف حسن رشديه

امضاء

حاشیه سمت راست سند: جواب نوشته شود بطوریکه در شماره ۱ () آگاه شدید بوزارت فرهنگ که مرجع رسیدگی موضوع است رجوع شده لذا چنانچه در مقابل پاسخنامه آنوزارتخانه مطالبی منطبق با مقررات داشته باشد ممکن است بانجا توضیح دهید البته مکلف هستید طبق مقررات رفتار نمایند [۱۳۱۷/۱۱/۱۲

ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره: ۴۷۸۹

ساله: ۱۳۱۷/۱۱/۶

[حاشیه سمت راست سند: با دقت خلاصه کنید که اصول مطالب از قلم نیفتد]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۶

۱۷/۹/۸

مجلس شورای ملی شیداله ارکانه

در سنه ۱۲۹۸ شمسی هیأت دولت ماهی هفتصد ریال بنام حقوق تقاعد برای من از مجلس گذرانیده حواله بمالیه گیلان کردند تا سنه ۱۳۰۳ میگرفتم در اواخر آنسال بطهران آمدم که این مبلغ کفاف بمعاشم نمیکند از یکطرف مالیه از پرداخت آن در طهران تعلل پیش آورد که از عواید پوطی پنجشاهی پرداخت میشود.

از طرف دیگر وزارت فرهنگ با مالیه بمکاتبه افتاد که مساعدت کند از مجلس یکصد و پنجاه تومان شهریه برای من بگذارند وزارت مالیه از من مدرک استحقاق خواست جز سکوت جواب نیافته در ماهی به پنجاه و سه تومان حقوق مدت خدمت قانع شده معروض از طهران بقم رفتم یکی از فقهای قانون گفت حقوق عنایتی هیأت دولت که از مجلس چندین سال تصویب گذشته است حق مطالبه داری در آذرماه ۱۳۱۵ بمحاکمات مالیه عریضه دادم متن قانون خواندند که حقوق ماهانه، سه سال مطالبه نشود دعوی باطل است بحرمت قانون از سنوات صرف نظر کرده از تاریخ عریضه در آذرماه ۱۳۱۵ اصل حقوق را مطالبیم هیأت وزراء جواب لایا نعم نمی دهد از مجلس شورای ملی دادخواهی مینمایم.

پیر معارف رشد

[امضاء]

ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره: ۴۳۶۱

ساله: ۱۳۱۷/۹/۱۳

سند شماره ۷

[نشان تاج و شیر و خورشید]

وزارت دارائی
دفتر وزیر

تاریخ: ۱۲/۱۰ ماه ۱۳۱۷
شماره: ۴۳۳۵۶ ضمیمه

ریاست مجلس شورای ملی

در جواب مرقومه شماره ۴۳۶۱ بتاريخ ۲۶ دیماه ۱۳۱۷ متضمن رونوشت نامه آقای حسن رشديه زحمت میدهد:

آقای حسن رشديه بابت حقوق سنوای خود مبالغی ادعای طلب مینمودند در سال ۱۳۱۵- نسبت به دعاوی مزبور دادخواستی بمدعا به ۱۱۲۸۰ ریال به دیوان دادرسی دارائی تسلیم ولی بعد از تعقیب موضوع در دادگاه خودداری و تقاضا نمودند بدعاوی مزبور صلحا خاتمه داده شود از این جهت نظر به پیشینه خدمات ایشان در مقابل تمام دعاوی مزبوره مبلغ پنجهزار و ششصد و چهل ریال از طرف وزارت دارائی نقداً مشارالیه تأدیه و با اخذ سند ترک دعوی به پرونده امر خاتمه داده شده است.

وزیر دارائی
[امضاء: ناخوانا]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره: ۵۰۸۲

ساله: ۱۳۱۷/۱۲/۱۳

ح-س

۱۳۱۳ - ۱۱ - ۲۲

طهران

حاج میرزا حسن رشديه

مؤسس مدارس جدیدة ایران

درسته ۱۳۰۱ هجری قری

JEAN MIrza HASSAN RASHIDYÉ
Fondateur des Ecoles Modernes en Perse 1882

TÉHERAN PERSE
TEL. "ROCHDYE, TÉHERAN."
BOITE POSTALE 1.

۱۶
۱۷

کتابخانه
میرزا حسن

بمقام سید شادان رشديه



۱۳۰۳
۱۳۰۳
۱۳۰۳

۱۳۰۳
درسته ۱۳۰۱ هجری قری
بمقام سید شادان رشديه
کتابخانه
میرزا حسن
۱۳۰۳
۱۳۰۳
۱۳۰۳



کتابخانه سید شادان رشديه

تاریخ ۱۳۰۳

۱۳۰۳/۱۱/۲۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیام بهارستان / د. ۲۰، س. ۱، ش. ۳ / بهار ۱۳۸۸

سند شماره ۲



وزارت مالیه
اداره تقاعد
دایره

تاریخ ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۱۰
شماره ۴۵۱۹ ضمیمه

میرزا حسن رشیدی
۱۳/۱۱/۲۹

ریاست مجلس شورای ملی

جواب مرقومه نمره (۲۴۵۴) ۱۸ / ۱۱ / ۱۳۱۴ طبق تقاضای وزارت معارف و تصویب نامه
نمره (۲۴۵۸) ۲۳ / ۳ / ۱۳۰۸ هیئت وزراء بموجب قانون بهمن ماه ۱۳۰۶ و مواد
۴۲ و ۴۵ قانون استخدام کشوری آقای حسن رشیدی از تاریخ اسفند ۱۳۰۷ با ماهی ۵۳۱
ریال متقاعد گردیده و حقوق مزبور را مرتباً دریافت نموده است هرگاه قبل از اجرای قانون
استخدام در مقابل خدمت حقوقی اخذ مینموده بحقوق تقاعدی که قانوناً با او تعلق میگیرد
مربوط نخواهد بود و زائد بر آنچه قانون اجازه پرداخت حقوق تقاعد داده نمیتوان حقوقی
تادیه نمود .

از طرف وزیر مالیه

۱۴/۱۳/۱۰



۹
۱۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳-ل



وزارت فرهنگ

تبع
۱۷/۹/۲۶
مکسر لکهن

اداره
شماره
تاریخ
ضمیمه

۳۶۳۴۴

۲۷۹۵۶

۱۷/۹/۲۶

رئیس ممبر شورای تعلیمات

در تاریخ نامه مورخه ۴۴۲۱ / ۱۷/۹/۲۶ منظم بر ذممت نامه ای جناب رسیده

بخدمت حضرت رسیده

بموجب مکسر شماره مورخه ۲۳۵۸ / ۱۳۰۸/۳/۲۳ بهت در جریان از تاریخ اول

مردادماه ۱۳۰۷ هجری قمری مکتوبی مابین و کربلای حقوق با ششم که طبق

مهم ۵۰ قانون مستخدمه کوشی مستحق درجه دربار او بر و در

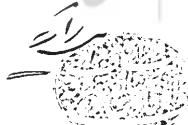
در صورت در تاریخ مورخه ۱۳۰۷ در وقت سداد بنا بر این درجه

در رسیده باشد بر این مبنی چون بطریق با مقررات بمنسبت

محمد ابراهیم

۱۷/۹/۲۶

مکسر وزارت فرهنگ



ورود در تاریخ ۱۳۰۸/۱۰/۸
شماره ۴۵۴۵
ساله ۱۳۱۱/۱۰/۸

۱۱/۱۸/۳۲

پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

اول مهر ۱۳۱۷

LEVAZI AKEREA HASAN ROCHDYE
Fondateur des Ecoles Modernes en Perse 1882

TEHERAN PERSE
ZEL. "ROCHDYE & THERAKIAN"
BOITE POSTALE 3.

کلیه کتب

طهرت

حاج میرزا حسن رشیدی به

مؤسس مدارس جدید ایران

دولت ۱۳۰۱ هجری قمری

سین

۱۷/۱۷/۱۳۱۷
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...

مخبرین است بلکه... چون در این شهر...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...

در جواب زنتی که نظر بر کتاب...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...

در جواب زنتی که نظر بر کتاب...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...

در جواب زنتی که نظر بر کتاب...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...
 در جواب زنتی که نظر بر کتاب...

شماره ۲۸۹
 تاریخ ۱۳۰۱/۱۱/۱۵

۱۱/۱۲/۱۳

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۱، ش. ۳ / بهار ۱۳۸۸

سند شماره ۵

۱-۹-۱۱

مجلس شورای عالی

۱۷/۹/۱۳۱۵

۱۱۴

در سند مجلسی بیانات ما در مفصله این بنام حقوق نقضه بر این
 حاله بالیه که در آنجا در تاریخ ۱۳۰۳ میلادی در اوایل فروردین بطهران اتمام
 این بنام حقوق نقضه بنام اینکند از طرف مالیه در نظر داشت در طهران
 اعتبارش را در آنجا از خواهد بود و این بنام حقوق نقضه همیشه
 از طرف وزارت دارائی فرانک به مالیه بیطانیه صادر شده است که
 بقصد نگاه نگاه شورای عالی در آنجا در وزارت مالیه در نظر
 دولت فرانک بوده است در این بنام حقوق نقضه در
 تاریخ ۱۳۰۳ میلادی در طهران بنام اینکند از طرف مالیه در نظر
 ایات حکومت که از مجلس شورای عالی در نظر داشت در نظر
 در آذرماه ۱۳۱۵ میلادی در طهران بنام اینکند از طرف مالیه در نظر
 ما در تاریخ ۱۳۱۵ میلادی در طهران بنام اینکند از طرف مالیه در نظر
 از تاریخ عرضه در آذرماه ۱۳۱۵ میلادی در طهران بنام اینکند از طرف مالیه در نظر
 نزد سنده از مجلس شورای عالی در آذرماه ۱۳۱۵ میلادی در طهران بنام اینکند از طرف مالیه در نظر

۱۱۴

۱۱

ورودی دفتر نماینده مجلس شورای عالی

شماره ۴۳۵۱

ساله ۱۳۱۲ / ۹ / ۱۳

۱۱

سند شماره ۶

پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ش ۳ / بهار ۱۳۸۸



وزارت دارائی

دفتر وزیر

تاریخ ۱۰/۱۲/۱۳۱۷ء

شماره ۴۳۴۵ ضمیمہ

کے دستخط
۱۷/۱۲/۱۳۱۷ء

ریاست مجلس شورای ملی

در جواب مرقومہ شماره ۴۳۶۱ بتاریخ ۲۶ دیماه ۱۳۱۷ متضمن رونوشت نامہ آقای حسن رشیدیہ زحمت میدہد :

آقای رشیدیہ بابت حقوق سنواتی خود میالغی ادعای طلب مینمودند در سال ۱۳۱۵ - نسبت بہ دعوی مزبور ادخواستی بمدعا بہ ۱۲۸۰۰ ریال بہ دیوان دادرسی دارائی تسلیم ولی بعد از تحقیق موضوع در دادگاہ خود داری وتقاضا نمودند بدعوی مزبور صلحا خاتمه دادہ شود از این جهت نظریہ پیشینہ خدمات ایشان در مقابل تمام دعوی مزبورہ مبلغ پنجہزار و شصت و چہل ریال از طرف وزارت دارائی نقدا بمشارالہ تادیہ ویا اخذ سند ترک دعوی بہ پروندہ امر خاتمه دادہ شدہ است . وزیر دارائی

سند

وزیر اسرار
۱۷/۱۲/۱۳۱۷ء

شماره ۴۰۸۳
۱۳۱۷/۱۲/۱۳

۱۸/۱۲/۱۳۱۷

پژوہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - اسناد مورد استفاده در این مقاله دارای اشتباهات نگارشی فراوانی بود که نگارنده صلاح در این - دانست که از دخل و تصرف در متن اسناد خودداری نماید.
- ۲ - رشديه در اصطلاح عثمانیان آن روزگار به مدرسه ابتدایی گفته می‌شود و به این نام شهرت یافت - (قاسمی پویا، اقبال. مدارس جدید در دوره قاجاریه (بانیان و پیشروان)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸.
- ۳ - محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، تهران: انجمن دانشجویان - دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ش، ص ۳۷۵.
- ۴ - رشديه، فخرالدین. زندگینامه پیر معارف رشديه بنیانگذار فرهنگ نوین ایران، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۹.
- ۵ - رشديه، شمس‌الدین. سوانح عمر، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۲ - ۵.
- همان، صص ۱۴۸-۱۴۷ - ۶.
- همان، ص ۱۴۷ - ۷.
- ۸ - رشديه، فخرالدین. پیشین، ص ۲۳۷ - ۸.
- ۹ - مظفرمقام، احمد. نقش شیخ محمد حسن شیخ‌الاسلام در ایجاد مدارس نوین تهران، در پیام بهارستان: - نشریه داخلی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سال سوم، شماره بیست و نهم، آبان ۱۳۸۲ ش، ص ۲۰.

